



سیامک طاهری

# جهان در لبه‌ی پرتگاه

کمی پیش از آغاز سال ۲۰۰۸ اولین نشانه‌های نگران کننده در اقتصاد جهان پدیدار شد اگر تا پیش از پدیدایی این پدیده‌ها مسایل سیاسی و نظامی توجه دولت‌مردان و ناظران سیاسی را به خود جلب می‌کرد و مسایل اقتصادی به کارشناسان این رشته وا گذاشته می‌شد با ظهور این وضعیت جدید نه تنها نگرانی اقتصاددانان بلکه سیاست‌مداران و حتا کارشناسان نظامی و علمی به آن معطوف شده است. چرا که به نظر می‌آید که تغییرات شگرفی در جهان در حال وقوع است. تغییراتی که احتمال دارد به تغییر توازن تعیین کننده‌های در عرصه‌ی مناسبات بین‌المللی منجر شود. پس از پایان جنگ جهانی دوم سازوکار جهان دوقطبی بر جهان حاکم شد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای همسو با آن، نظام تک قطبی بر جهان چیره شد. آیا جهان در آستانه‌ی یک تحول دیگر قرار گرفته است؟ اگر آری ابعاد و دامنه‌ی این تحول چه قدر است سردبیر لوموند دیپلماتیک از پایان یک مدل اقتصادی سخن می‌گوید. وقتی اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید بسیاری از هواداران سوسیالیسم از پایان یک مدل سوسیالیستی سخن گفتند. آیا می‌توان چنین تشابهی را انجام داد؟ اگر پاسخ آری باشد کدام مدل اقتصادی باید و یا می‌تواند جای‌گزین مدل از دور خارج شده باشد؟ این تغییر مدل کدامین تاثیر را در توازن اقتصادی و سیاسی و نظامی جهان خواهد گذاشت؟ پیش از پاسخ‌گویی به همه‌ی این مسایل لازم است که خود پدیده در حال وقوع را مورد کنکاشی دقیق‌تر قرار دهیم.

از آغاز سال ۲۰۰۰ اولین ابرها در آسمان اقتصاد جهانی پدیدار شدند. با وقوع حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اقتصاد آمریکا وارد دوران رکود شد. دولت‌مردان و اقتصاددانان برای رهایی از این وضعیت بهره بانکی را از ۳/۵ درصد به ۱ درصد کاهش دادند این امر موجب شد تا عده زیادی از بانک‌ها وام بگیرند بیش‌تر این پول‌ها به مصرف خرید خانه رسید. در این میان آسان‌گیری بانک‌ها باعث شد تا کسانی که از پشتوانه‌ی مطمئنی نیز برخوردار نبودند به منابع بانکی دسترسی بیابند. با ترکیدن حباب‌های مالی به وجود آمده سقوط آزاد آغاز شد. بسیاری از مشتریان نتوانستند بدهی‌های خود را پرداخت کنند در نتیجه یک سلسله واکنش‌های زنجیره‌ای بوقوع پیوست گابریل کولکو در لوموند دیپلماتیک در این باره چنین نوشت:

بحران مالی ماه مارچ گذشته که از ایالات متحده شروع شده بود مجدداً با شدت بیشتر در اواسط ماه آگوست بورس‌های تمام جهان را در بر گرفت. بانک‌های مرکزی اروپا، ژاپن و صندوق فدرال امریکا مجبور شدند برای آرام کردن وضعیت، ارقامی نجومی وارد بازار نمایند.

## دو پیچه وله نوشت:

بحران مالی و بانکی بین‌المللی که از آگوست سال گذشته آغاز شده هم‌چنان ادامه دارد و بنا به برخی ارزیابی‌ها؛ هنوز به اوج خود نرسیده است. پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از کاهش

چشم‌گیر رشد اقتصاد جهان حکایت دارد. این صندوق اعلام کرد؛ به‌خاطر بحران اعتباری در آمریکا، اقتصاد جهان در دو سال آینده رشد بسیار آرام‌تری نسبت به پیش‌بینی‌ها در گذشته خواهد داشت.

این سازمان در تازه‌ترین پیش‌بینی رسمی خود اعلام کرده است که رشد اقتصاد جهان به ۳,۷ درصد در سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کاهش خواهد یافت که ۱,۲۵ درصد پایین‌تر از میزان رشد در سال ۲۰۰۷ است.

در راس این افول، آمریکا قرار خواهد داشت که به اعتقاد صندوق جهانی پول دچار «رکود» خواهد شد.

وقتی بن برنانکه در مقابل کنگره آمریکا از امکان رکود سخن گفت وضعیت ناگهان تغییری جدی یافت ایشیگل اولاین در این باره چنین نوشت:

بن برنانکه برای اولین بار کلمه‌ی ترسناکی را که با (ر) آغاز می‌شود را به زبان آورد. «رکود اقتصادی در آمریکا ممکن است.» این گفته‌های رییس بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا در مقابل کنگره این کشور است. با این وجود او کوشید امیدواری‌هایی ایجاد کند. «در نیمه دوم سال بار دیگر منحنی رو به بالا خواهد بود.» در نسخه دستی نطق خود او دور اندیشانه از کاربرد این کلمه وحشتناک در مقابل کنگره خودداری کرد ولی سرانجام گفت: «یک رکود ممکن است.» اما «این هنوز یک یقین نیست.» این گفتار به سختی می‌تواند مردم آمریکا را دلداری دهد. وقتی که رییس بانک مرکزی کلمه رکود را به زبان می‌آورد موقعیت به اندازه کافی جدی است. آخر سخنان او می‌تواند بازارها را به لرزه درآورند.

حتا اگر کابوس رکود - یعنی دو دوره سه ماهه با رشد منفی - به واقعیت نپیوندد باز هم اوضاع اقتصاد آمریکا نسبتاً بد است حتا می‌توان گفت اقتصاد این کشور در آینده آب خواهد رفت براساس گفته بن برنانکه روشن است که «اقتصاد آمریکا دوران سختی را تجربه می‌کند. آقای بن برنانکه برای نیمه‌ی دوم سال و نیز سال ۲۰۰۹ بار دیگر رشد اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند. او امیدوار است راه حل کم کردن مالیات‌ها و پایین آوردن شدید بهره بانکی اقتصاد ملی را به حرکت درآورد. به‌رحال مشخص است که برای آقای بن برنانکه روشن نیست که دولت در گام بعدی چه خواهد کرد.

کریستوفر لولو؛ کارشناس اقتصادی ارشد شرکت مالی تی ان در نیویورک می‌گوید: کاملاً واضح است که پیش‌بینی برنانکه یک حرکت سیاسی و حرفه‌ای است و نکته‌ای که به نظر من جالب است این است که بانک مرکزی هیچ وقت احتمال بروز رکود اقتصادی را مطرح نمی‌کند؛ مگر اینکه مطمئن باشد که اقتصاد دچار رکود می‌شود. جالب است که بن برنانکه تئوری و علم اقتصاد را بهانه کرد تا از اعتراف به رکود طفره برود؛ اما چرا تعارف می‌کنیم مصرف کننده‌کان آمریکایی که بیست سال است بار این اقتصاد را به دوش کشیده‌اند؛ الان به در بسته خورده‌اند. دو سوم اقتصاد آمریکا وابسته

به مصرف داخلی است. اگر مصرف کننده‌گان داخلی در مصرف تردید کنند؛ اقتصاد آمریکا قطعاً با مشکل روبه‌رو خواهد بود. این در حالی است که نظرسنجی‌های چند ماه گذشته نشان داده است که بیش از ۷۰ درصد آمریکایی‌ها نسبت به آینده خود تردید دارند. به گفته‌ی یک اقتصاددان در آمریکا؛ برگرداندن اعتماد مصرف کننده‌گان هدف اول برنامه‌های برنانه‌ک در بانک مرکزی است. این در حالی است که برنامه‌ی پیشین دولت جورج بوش برای به حرکت در آوردن اقتصاد با پس فرستادن ۱۰۶ میلیارد دلار از مالیات‌ها به خانواده‌های آمریکایی با شکست روبه‌رو شده بود.

دامینیک اشتراوس-کان در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی اقتصادی فاینانشیال تایمز، چاپ بریتانیا، گفت کمبود اعتبار یک پدیده جهانی است که در اقتصادهای پیشرفته جهان تأثیر گذاشته و سرانجام دامنه‌ی آن گریبان‌گیر کشورهای در حال توسعه مانند چین و هند نیز خواهد شد.

بی بی سی نوشت نظرسنجی‌های چند ماه گذشته نشان می‌دهند که ۷۰ درصد آمریکایی‌ها نسبت به آینده خود بدین هستند. صندوق بین‌المللی پول می‌گوید میزان ضررهای ناشی از بحران وام مسکن در آمریکا با کشیده شدن اثرات آن به سراسر جهان به حدود یک تریلیون دلار خواهد رسید.

صندوق بین‌المللی پول در گزارشی که قبل از اجلاس سالانه‌اش در واشنگتن انتشار داده گفته با وجود مداخله‌ی بی‌سابقه‌ی بانک مرکزی آمریکا و بانک‌های مرکزی سایر کشورها، بازارهای مالی هنوز تحت فشار قرار دارند. پرسش کلیدی این است که این وضعیت تا چه هنگام ادامه می‌یابد. در پی رکود اقتصادی پیشین آمریکا اصلاحاتی سریع مشاهده شد. در بیش از ۸ مورد از ۱۰ مورد رکود پس از جنگ؛ شاهد رکود بخش مسکن بوده‌ایم و پس از همه رکودهای عمده؛ بخش مسکن از سال ۱۹۷۰ تاکنون رکود داشته است. صندوق بین‌المللی پول در گزارش خود چنین ادامه داده است:

با توجه به شرایط موجود به نظر می‌رسد اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۰۸ به رکود دچار خواهد شد. تولید ناخالص داخلی واقعی ایالات متحده یا رشد اقتصادی آن در سال ۲۰۰۸ معادل ۰/۵ درصد و در سال ۲۰۰۹ معادل ۰/۶ خواهد بود. تورم در این کشور در سال ۲۰۰۸ معادل ۳ درصد و در سال ۲۰۰۹ معادل ۲ درصد خواهد بود. و نرخ بی‌کاری در سال ۲۰۰۸ به ۵/۴ درصد و در سال ۲۰۰۹ به ۶/۳ درصد خواهد رسید. این در حالی است که همه پیش‌بینی‌های این صندوق در سال گذشته غلط از آب درآمده است و اوضاع از پیش‌بینی‌های مربوطه به مراتب غم‌انگیز تر بوده است.

در چنین شرایطی بزرگ‌ترین گردهمایی سالانه‌ی اقتصادی جهان با عنوان نشست مشترک بهاره بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول - یعنی مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین نهادهای

جهانی در عرصه‌ی اقتصاد - در واشینگتن آغاز به کار کرد. به علت وخامت اقتصاد جهانی این نشست در زیر ذره‌بین کارشناسان سیاسی و اقتصادی قرار گرفت. رابرت زولک رییس بانک جهانی

گفت: رشد اقتصادی جهان تا سطح ۳/۵ درصد نزول خواهد داشت. اما وضعیت به گونه‌ای است که در صورت تداوم وضعیت بحرانی کنونی رشد اقتصادی سال ۲۰۰۹ نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. وی افزود وضعیت کشورهای ما با یکدیگر متفاوت است؛ اما همه‌ی این اقتصادها آماده‌گی ورود به این بحران را دارند. دومینیک اشتراوس کان رییس صندوق بین‌المللی پول نیز گفت: با وجود بحران در اقتصاد جهانی و خطر رکود اقتصادی اصلاحات صندوق بین‌المللی پول با قدرت پی‌گیری می‌شود. به گزارش اسوشیتد پرس وزرای دارایی و روسای بانک‌های مرکزی هفت کشور صنعتی جهان موسوم به گروه هفت با طرحی موافقت کردند که هدف آن کاهش فشار بحران اعتبار مالی در جهان اعلام شده است. مقامات این کشورها تعهد کردند تا نظارت بیش‌تری بر شرکت‌های مالی اعمال شود و در معاملات بین‌المللی شفافیت بیش‌تری ایجاد شود. تصمیم مقامات هفت کشور صنعتی جهان پس از دیدار مقامات ارشد این کشورها در واشنگتن اعلام شد. در بیانیه‌ای که پس از این دیدار منتشر شد آمده است: «چشم انداز اقتصاد جهانی در



آینده نزدیک ضعیف شده است.» رییس صندوق بین‌المللی پول نیز گفت: «برای مقابله با معضل کمبود اعتبار در بازارهای مالی جهان لازم است که دولت‌ها مداخله کنند.»

این در حالی است که خود نهادهای جهانی نیز با بحران روبه‌رو شده‌اند. صندوق بین‌المللی پول برای رهایی از این بحران تصمیم به فروش بیش از ۴۰۰ تن از طلاهای خود را گرفت. این صندوق ۱۰۳/۴ اونس طلا را که در تاریخ ۲۰ فوریه ۹۵/۲ میلیارد دلار ارزش داشت؛ ننگه‌داری می‌کند. صندوق بین‌المللی پول سومین دارنده بزرگ ذخایر جهان است. دامینیک اشتراوس-کان در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی اقتصادی فاینانشیال تایمز، چاپ بریتانیا، گفت کمبود اعتبار یک پدیده جهانی است که در اقتصادهای پیشرفته‌ی جهان تأثیر گذاشته و در نهایت دامنه‌ی آن گریبان‌گیر کشورهای در حال توسعه مانند چین و هند نیز خواهد شد. بی بی سی در جایی دیگر چنین می‌نویسد:

#### مدل جدید اقتصادی

آقای اشتراوس-کان (رییس صندوق بین‌المللی پول) گفت این تصور که تنها آمریکا است که عمدتاً گرفتار معضل کمبود اعتبار شده، تصوری واهی است.

رییس صندوق بین‌المللی پول هم‌چنین هشدار داد که کمبود اعتبار بر رشد اقتصاد جهان تأثیر نامطلوب خواهد گذاشت و با این که دولت‌ها با تزریق پول به نظام‌های بانکی خود تلاش کرده‌اند با این معضل مقابله کنند نتوانسته‌اند نقاط ضعف در سایر بخش‌های نظام مالی، مانند بازار

**بحران مالی ماه مارچ گذشته که از ایالات متحده شروع شده بود مجدداً با شدت بیشتر در اواسط ماه آگوست بورس‌های تمام جهان را در بر گرفت. بانک‌های مرکزی اروپا، ژاپن و صندوق فدرال آمریکا مجبور شدند برای آرام کردن وضعیت، ارقامی نجومی وارد بازار نمایند.**

بورس و بازار مسکن را مرتفع کنند.

گزارش‌گر اقتصادی بی بی سی می‌گوید مقامات مالی آمریکا و اروپا به طور عمومی با مداخله‌ی مستقیم دولت‌ها در بازارهای

مالی تحت فشار اعتباری، مخالف هستند و معتقدند که زمان برای چنین حرکتی فرا نرسیده است.

آقای اشتراوس-کان در مصاحبه با فاینانشیال تایمز گفت که به همین دلیل پیش‌بینی می‌کند که در نشست واشینگتن پیشنهادش با مقاومت هیئت‌های شرکت کننده روبرو شود.

با این حال، هفته‌ی گذشته «موسسه‌ی مالی بین‌المللی» اعلام کرد شواهد فزاینده نشان می‌دهد مداخله مسقیم دولت‌ها امری ضروری است.

اخیرا دولت بریتانیا برای نجات بانک خصوصی «نوردن راک» از ورشکستگی، آن را ملی کرد و در آمریکا مقامات طرح نجات بانک «بر استیرنز» وال استریت را تهیه و اجرا کردند.

آنچه در این میان حایز توجه است این است که پس از وقایع سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ یعنی فروپاشی شوروی اقتصاددانان دنیای غرب همه مخالف دخالت دولت در اقتصاد بوده‌اند. و اقتصاد برنامه‌ریزی شده را دخالت سیاست در اقتصاد می‌دانستند. و به همین جهت در سراسر این کشورها موج خصوصی سازی به راه افتاد. اینک مهم‌ترین شخصیت‌های اقتصادی جهان از دولت‌ها و سیاست‌مداران در خواست دخالت در اقتصاد را می‌کنند. پیش‌تر در آغاز پیدایی بحران اقتصادی جهان دولت انگلستان مجبور به ملی کردن یکی از بانک‌های این کشور شده بود یعنی حرکتی کاملاً بر خلاف جریان موجود جهان در سال‌های اخیر. از طرفی دیگر تنها کشورهایی که از این بحران با وجود لطمه‌ی نسبی دیدن، پیروز میدان بیرون خواهند آمد؛ چین، روسیه و هندوستان خواهند بود. در سه ماهه‌ی نخست سال جاری رشد اقتصادی چین رقم افسانه‌ای ۱۰/۶٪ را دارا بود. یعنی سه کشوری که مدل اقتصادی آنان ترکیبی از دولتی و خصوصی است. آیا مدل اقتصادی آینده دنیا شبیه به مدل چینی خواهد بود؟ اگر پاسخ را آری فرض کنیم آن وقت باید به این سوال پاسخ دهیم که با توجه به این که چین هم اکنون به دومین اقتصاد جهان تبدیل شده است. نقش این کشور در معادلات جهان پس از این چه‌گونه خواهد بود؟ با توجه به افزایش تنش بین چین و دنیای غرب و شکل‌گیری پیمان سیاسی - نظامی - اقتصادی شانگهای که آشکارا هدف خود را تقابل با ناتو قرار داده است؛ آینده جهان به چه شکل در خواهد آمد؟

### انعکاس بحران در جهان سوم

در نتیجه فرار سرمایه از بانک‌ها و بورس‌های آمریکای پول‌های سرگردان به سوی منابع مالی جدید رهسپار شدند در نتیجه ابتدا نفت و به دنبال آن قیمت طلا افزایش یافت و بحران از آن‌جا به مواد غذایی کشیده شد. بر قیمت برنج در مدت کوتاهی ۵۰ درصد افزوده شد. دیگر

از ۲ دلار درآمد دارند.

خبر حمله گرسنه‌گان هائیتی به کاخ ریاست جمهوری این کشور هشدار دیگری است. در سال‌های اخیر هیچ کس گمان نمی‌کرد که جهان بار دیگر با شورش گرسنه‌گان مواجه بشود. این وضع به شکلی خفیف‌تر در کامرون و یمن و اندونزی تکرار شد. حتا در آفریقای جنوبی نیز تظاهراتی در اعتراض به گرانی مواد غذایی صورت گرفت.

پس از گران شدن بیش از ۵۰ درصدی قیمت برنج، ویتنام اولین کشوری بود که عکس‌العمل نشان داد و با محدود کردن صادرات برنج از ایجاد مشکل در این کشور جلوگیری کرد پس از آن هندوستان از صادرات این محصول به جز برنج باسماتی جلوگیری کرد. پس از آن اندونزی نیز از این سیاست پیروی کرد. جفری ساش؛ مدیر انستیتو زمین دانشگاه کلمبیا می‌گوید: «این بزرگ‌ترین داستان جهان است.» وزیران مسئول در این کشورها از این مساله شوکه شده‌اند. آنان از این که طرح اصلاحات لیبرالی شان موج فحطی و گرسنگی را به دنبال آورده شگفت زده شده‌اند. ساش تاکید می‌کند که: «حتما ما که در آمریکا زندگی می‌کنیم از وجود همین فقر رنج می‌بریم.»

به گزارش خبرگزاری فرانسه؛ این بحث که؛ افزایش قیمت غذا و تهدید فزاینده‌ای که متوجهی ثبات سیاسی و اهداف توسعه‌ای شده است؛ توجه رهبران اقتصادی جهان را به خود جلب کرده است. و رییس بانک جهانی برای برطرف کردن پیامدهای آن تقاضای کمک کرده است. رابرت زولیک رییس بانک جهانی هم گفت: «میلیون‌ها نفر از مردم جهان به ویژه در کشورهای فقیر به دلیل افزایش قیمت غذا در معرض خطر بزرگی قرار دارند؛ بنابراین لازم است دولت‌ها هر چه زودتر برای مهار این تورم اقدام کنند؛ پیش از این که مجبور شوند هزینه‌ی بزرگ‌تری را پردازند» وی ادامه داد برآورد می‌شود که به دلیل دو برابر شدن قیمت غذا در سه سال اخیر حدود ۲۰۰ میلیون نفر از مردم کشورهای فقیر به وضعیت وخیم‌تری از فقر کشیده شوند. در حالی که عده‌ای نگران پاس کردن حساب‌های بانکی خود هستند؛ بسیاری در سراسر جهان فقط می‌خواهند شکم خود را سیر کنند. اشتراوس کان اوضاع را به مراتب وخیم‌تر ارزیابی کرده و گفت: «گذشته نشان داده است که چنین مسایلی معمولاً به جنگ

### صندوق بین‌المللی پول در گزارشی که قبل از اجلاس سالانه‌اش در واشینگتن انتشار داده گفته با وجود مداخله‌ی بی‌سابقه‌ی بانک مرکزی آمریکا و بانک‌های مرکزی سایر کشورها، بازارهای مالی هنوز تحت فشار قرار دارند.

مواد غذایی هم همین روال را ادامه دادند به این ترتیب شرایط انفجار آمیزی بر جهان حاکم شده است. اولین نشانه‌های شورش در کشور مصر و پاره‌ای از کشورهای آفریقای به چشم می‌خورد. در بسیاری از کشورهای آسیایی نیز احتمال شورش‌های گرسنه‌گان وجود دارد از سوی دیگر امکان کمک از سوی کشورهای آمریکا و اروپایی به متحدانشان در صورت بروز چنین شورش‌هایی هر روز کم‌تر می‌شود. هم اکنون آمریکا در منطقه‌ی وسیعی از جهان یعنی از افغانستان تا سومالی و اتیوپی درگیر است. در این میان کشورهای چین؛ روسیه؛ هند؛ برزیل و... مشغول بهره‌برداری از این موقعیت هستند.

طبق گزارش سازمان جهانی غذا از ابتدای سال جاری قیمت مواد اولیه‌ی زندگی در مصر ۵۰ درصد افزایش یافته است. علاوه بر مواد ضروری قیمت بنزین و نفت نیز افزایش داشته است، اما بدتر از همه قیمت نان بین ۱۰۰ تا ۷۰ درصد گران‌تر شده است. به همین ترتیب قیمت فلفل با نان که در گذشته ۵ پیاستر بود، امروزه بنا به نوع آرد مصرف شده در نان بین ۲۰ تا ۵۰ پیاستر به فروش می‌رسد. هم چنین اندازه‌ی قرص نان

### بی بی سی نوشت نظرسنجی‌های چند ماه گذشته نشان می‌دهند که ۷۰ درصد آمریکایی‌ها نسبت به آینده خود بدین هستند. صندوق بین‌المللی پول می‌گوید میزان ضررهای ناشی از بحران وام مسکن در آمریکا با کشیده شدن اثرات آن به سراسر جهان به حدود یک تریلیون دلار خواهد رسید.

انجامیده است. ■

لواش که غذای اصلی مصریان است - میزان مصرف روزانه‌ی یک خانواده حداقل ده عدد لواش است - نیز کوچک‌تر شده است. این وضعیت دست کم افشار آسیب پذیر و فقرای جامعه را بیش از همه با مشکل روبرو ساخته است؛ آن‌هم در کشوری ۷۸ میلیونی که دست کم ۵۰ درصد جامعه‌ی آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند و روزانه کمتر

لواش که غذای اصلی مصریان است - میزان مصرف روزانه‌ی یک خانواده حداقل ده عدد لواش است - نیز کوچک‌تر شده است. این وضعیت دست کم افشار آسیب پذیر و فقرای جامعه را بیش از همه با مشکل روبرو ساخته است؛ آن‌هم در کشوری ۷۸ میلیونی که دست کم ۵۰ درصد جامعه‌ی آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند و روزانه کمتر